فاتحین جهان

تبیینی بر بسیج دانشجو و طلبه با محوریت کلام امام(ره) و نقش موثرشان در تحقق اسلام ناب



گفتاری از استاد
حسن رحیم‌پور ازغدی




بسم الله الرحمن الرحیم

فاتحین جهان

تبیینی بر بسیج دانشجو و طلبه با محوریت کلام امام(ره)
و نقش موثرشان در تحقق اسلام ناب

گفتاری از استاد حسن رحیم‌پور ازغدی

فاتحین جهان

تبیینی بر بسیج دانشجو و طلبه با محوریت کلام امام(ره)
و نقش موثرشان در تحقق اسلام ناب

گفتاری از استاد حسن رحیم‌پور ازغدی

تهیه شده در واحد تولید محتوای
معاونت سیاست‌ورزی سازمان بسیج دانشجویی

تهیه و تنظیم متن	فاطمه عبدالکریمی
طراح جلد	مجتبی کمربیگی
صفحه‌آرا	یاسر امامی‌فر
قیمت	۳۰۰۰۰ تومان

نشانی | تهران، خیابان طالقانی، تقاطع خیابان طالقانی و خیابان مفتح، مجتمع فرهنگی ۱۳ آبان، سازمان بسیج دانشجویی

سازمان بسیج دانشجویی
معاونت سیاست‌ورزی

@geraa_ir

فهرست

۶ پیش‌گفتار

۷ نگاه عالمانه امام رحمه‌الله‌علیه به بسیج

۹ اسلام دل خواسته!

۱۱ همه نگاه‌ها به اسلام سلیقه‌ای است!

۱۱ حوزه فقط جای بحث و درس است!

۲۱ بسیج ذو ابعاد است

۲۴ پاسخ به چند پرسش مهم

پیش‌گفتار

جزوه پیشِ رو براساس سخنرانی استاد حسن رحیم‌پور ازغدی در نشستی با عنوان «مکتب امام و بعثت جنبش دانشجویی» با محوریت پیام تاریخی حضرت امام‌خمینی (ره) به بسیجیان تهیه و تنظیم شده است. این جلسه در هفتم آذر ۱۴۰۲ به همت بسیج‌دانشجویی دانشگاه امام‌صادق (ع) در مسجد دانشگاه امام صادق (ع) برگزار شده است.

هدف، جهان اسلام است

نگاه عالمانه امام رحمه‌الله‌علیه به بسیج

هفته بسیج را امام رحمه‌الله‌علیه بنیانگذاری کرد. از همان اوایل انقلاب، سوال این بود که بسیج برای دانشجوی انقلابی چه معنایی دارد؟! حتی این سوال، بیشتر در مورد حوزه‌های علمیه مطرح بود؛ زیرا به هرحال، ساختار حوزه به نوعی می‌باشد که اسلامی و انقلابی است و این بحث مطرح بود که چه لزومی دارد بسیج طلاب وجود داشته باشد؟ این تعبیر از همان زمان نشان داد که در حوزه و دانشگاه دو رویکرد داشتیم و البته خواهیم داشت. این دو رویکرد، ابداع امام رحمه‌الله‌علیه نبود بلکه از همان زمان، ما درگیر دوگانه اسلام ناب و اسلام آمریکایی، تشیع ناب و تشیع انگلیسی، اسلام متحجرین احمق، اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستضعفین یا اسلام انقلابی و اسلام سازشکار بودیم. امروز هم دو گونه اسلام داریم؛ رژیم آل سعود مدعی میباشد که خادم الحرمین است، شاه هم می‌گفت که نظر کرده حضرت عباس علیه‌السلام است!

او می‌گفت: «خواب دیدم که حضرت عباس یک شال به کمر من بسته و مراقب من است» [مراقب او بود که کشور را بفروشد و خیانت کند؟!] خب اسرائیل هم شعارهای مذهبی و یهودی می‌دهد و رئیس جمهورهای آمریکا هم به کلیسا

در حوزه و دانشگاه دو رویکرد داشتیم و البته خواهیم داشت. این دو رویکرد، ابداع امام رحمه‌الله‌علیه نبود بلکه از همان زمان، ما درگیر دوگانه اسلام ناب و اسلام آمریکایی، تشیع ناب و تشیع انگلیسی، اسلام متحجرین احمق، اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستضعفین یا اسلام انقلابی و اسلام سازشکار بودیم.

می‌روند. پس یک اسلام، اسلامی است که امام می‌گوید و یک اسلام، اسلامی است که صدام می‌گفت و آن اواخر که در حال سقوط بود، مذهبی شد و روی پرچم عراق «الله‌اکبر» نوشت و گفت: «اسم من حسین است و من خودم شیعه و عاشق حسین هستم» این شخص همانی بود که حرم امام حسین[علیه‌السلام] را به توپ بسته بود! از لیبرال و خائن مسلمان وجود داشته و دارد تا کمونیسم مسلمان و آخوند کمونیسم. انجمن اسلامی هم جنس‌بازان در انگلستان و استرالیا هستند که مسجد هم دارند، در صدر اسلام علی [علیه‌السلام] از اسلام می‌گفت و معاویه هم از اسلام دم میزد، حسین‌بن‌علی[علیه‌السلام] می‌گفت: علی الاسلام سلام، یزید می‌گفت: این آقا علیه حکومت اسلامی قیام کرده و تروریست است! این موارد بدین معنا نیستند که چند نوع اسلام داریم بلکه اینها انواع مواجهه افراد با اسلام است! برداشت‌های غلط و درست هستند که این انواع را به لحاظ نظری ایجاد کرده است اما به لحاظ عملی این میباشد که هرکس، هرکاری دلش خواست انجام دهد و یک بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اولش بگوید و اسلامی‌اش بکند. بعد هم، یک عده این را تئوریزه کردند. اوایل انقلاب، منافقین می‌گفتند: «اسلام ما، اسلام انقلابی است و اسلام آخوندها اسلام ارتجاع است» یک موقع موضوع صحبت، انقلاب و ارتجاع است که این درست است. انقلاب یعنی حرکت رو به جلو و ارتجاع یعنی حرکت به سوی عقل. اما باید روشن شود که منظور از عقب و جلو چیست؟ آنها منظورشان از جلو،

انقلاب و ارتجاع معنادار است؛ اسلام انقلابی و اسلام ارتجاعی به معنای اسلام رو به جلو و رو به عقب میباشد. اما منظور ما از اسلام، تاریخ و میراث گذشتگان است یا اینکه این آیات و روایات، برنامه و دستوری برای آینده میباشند؟ در واقع باید اینطور گفت که تفاوت‌ها در نوع نگاه‌هاست که گاهی طرز نگرش، نگاه انقلابی به اسلام و نگاه ارتجاعی به اسلام یا نگاه سازشکارانه و نگاه مجاهدانه را می‌سازد.

کمونیستی شدن بود اما منظورشان از عقب‌گرد و ارتجاع، جدی گرفتن قرآن و سنت بود. بعد دیدیم که اسلام اینها چه شد! یونیفرمشان، لباس ارتش آمریکا شد و کارشان، سرویس دادن به اسرائیل و عربستان. بله، انقلاب و ارتجاع معنادار است؛ اسلام انقلابی و اسلام ارتجاعی به معنای اسلام رو به جلو و رو به عقب می‌باشد. اما منظور ما از اسلام، تاریخ و میراث گذشتگان است یا اینکه این آیات و روایات، برنامه و دستوری برای آینده می‌باشند؟ در واقع باید اینطور گفت که تفاوت‌ها در نوع نگاه‌هاست که گاهی طرز نگرش، نگاه انقلابی به اسلام و نگاه ارتجاعی به اسلام یا نگاه سازشکارانه و نگاه مجاهدانه را می‌سازد.

اسلام جامع، اسلامی است که همه ابعاد در آن وجود دارد.

اسلام دل خواسته!

اسلام جامع، اسلامی است که همه ابعاد در آن وجود دارد. اما برخی نگاه گزینشی به اسلام داشته‌اند:

اسلام خیانتکارانه و سازشکارانه: یک رویکرد تحریف آلود و خائنانه از اسلام و برخورد گزینشی با اسلام؛ در واقع اینگونه است: آن مواردی که به نفع باشد و آن را قبول داری، اسلام است و آن دسته از مواردی که به نفعت نیست یا قبول نداری، اینها عرضیات اسلام می‌باشد و ذاتیات اسلام نیست؛ این همان ایمان به بعض الکفر به بعض است.

اسلام عبادی: فقط نگاه عبادی به اسلام دارند و

اعتقاداتشان در عبادات خلاصه می‌شود.

اسلام جهادی: فقط نگاه جهادی به اسلام دارند و به سیاست‌های اسلام کار داشتند.

اسلام فلسفی: عده‌ای که نگاه فلسفی به اسلام داشتند.

بعضی‌ها نیز تئوریزه‌اش کردند و گفتند: ما چندنوع اسلام داریم: اسلام بنیادگرایان، اسلام سنتی، اسلام متجدد و مدرن؛ درحالیکه چندین اسلام نداریم، تنها یک اسلام وجود دارد! نوع نگاه به اسلام است که متحجرانه یا مرتجعانه می‌باشد، یا منحرفانه یا انتقادی است، یا جامع است. اسلام ناب، همه اسلام است. ما یک اسلام با همه ابعاد فلسفی، اخلاقی، عرفانی، عقلانی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی، خانوادگی، سیاست بین‌الملل، جهاد با خود و دشمنان و... داریم که نباید تعریف کاریکاتوری از آن داشته باشیم بلکه باید هرکدام از ابعاد و موارد اسلام در جای خود و به حد و اندازه‌ای که اسلام مشخص کرده است باشد، نه اینکه یک حکم درجه سه را درجه یک قرار دهیم!

بعضی به امام اشکال می‌گرفتند: یعنی چه که می‌گویید «اسلام مُلّاهای کثیف درباری، اسلام سرمایه‌داری، اسلام پابرهنگان و مجاهدان»؟ یعنی شما با همین آیات و روایات می‌توانید فقهی بسازید که رأی به کشتن حسین علیه‌السلام بدهد؛ چنانچه آن آخوند فاسدی که قاضی حکومتی بود(شریح قاضی) فتوا داد که طبق شرع، خون حسین علیه‌السلام مباح و کشتن حسین واجب است! خوارج هم که علی علیه‌السلام را زدند و ترور کردند، آیه و روایت می‌خواندند.

چندین اسلام نداریم، تنها یک اسلام وجود دارد! نوع نگاه به اسلام است که متحجرانه یا مرتجعانه میباشد، یا منحرفانه یا انتقادی است، یا جامع است. اسلام ناب، همه اسلام است.

همه نگاه‌ها به اسلام سلیقه‌ای است!

اگر نگاه‌ها به اسلام در این حد متفاوت است، پس اسلام نابی وجود ندارد و همه‌چیز به قرائت ما از اسلام برمی‌گردد؟ خیر اینطور نیست بلکه ملاک برای داوری بسیاری از احکام، اخلاق و موارد در آیات و روایات وجود دارد. مواردی هم هستند که با وجود روشمند جلو رفتن، باز هم در آنها اختلاف نظر وجود دارد. برای پاسخ به اینها هم راه حل عقلی و نقلی وجود دارد؛ خود قرآن، آیات محکم و متشابه دارد. ما در آیات و سنت، نص و ظهور داریم، ابهام و متشابه هم داریم ولی در مورد آنها بحث این است که باید چه کرد و چرا؟ اگر همه‌چیز سلیقه‌ای باشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

حوزه فقط جای بحث و درس است!

یک عده گفتند بسیج در حوزه؟! فکر می‌کنید که فقط دانشجویان بودند که اجازه ندادند در سه-چهار دانشگاه کشور شهید دفن شود؟ در حوزه هم این اتفاق افتاد! وقتی شهید را برای دفن به یکی از حوزه‌های کشور بردند، یک عده اعتراض کردند که جای شهید اینجا نیست، اینجا محل درس و بحث است! یعنی شما فکر نکنید که این برای حوزوی‌ها و مذهبی‌ها یک مسئله جا افتاده‌ای است هرچند که به صورت

اجمالی، احترامی برای امام قائل هستند اما خیلی از بیانات و دیدگاه‌های امام رحمه‌الله‌علیه را قبول ندارند. امام رحمه‌الله‌علیه در دستوری که برای تشکیل بسیج طلبه و حوزه صادر کردند، چند کلید واژه مهم دارند:

۱. ایشان می‌فرمایند: «اینها نیروهای فداکار و شهادت طلب در حوزه و دانشگاه هستند» یک عده در دانشگاه و حوزه هستند که هیچ وقت حاضر نیستند هیچ هزینه‌ای برای انقلاب و اسلام بپردازند و همیشه آماده و حاضر سر سفره نشسته‌اند! همیشه طلبکار، عیاش و عافیت‌طلب و خودخواه هستند. دوست دارند در چشم مردم باشند، مدال و مدرک بگیرند، روشنفکر و عالم خطاب شوند اما هیچوقت برای انقلاب سیلی نخورند. از آبروی خویش هم نگذارند؛ امام حسین علیه‌السلام یکی-دوسال قبل از واقعه کربلا، در منا به این فضلا و علماء و بزرگان می‌گوید :« شما یکبار خودتان را برای خدا در خطر نینداختید؛ مثل ملوک و اکابر در خیابان‌ها راه می‌روید» مردم به احترام دین و علم شما خم می‌شوند، اما خودتان برای این دین و علم احترام قائل نیستید. صدّام، این همه در ایران و عراق جنایت کرد، ملت را بدون ناموس کرد، شرابخانه راه انداخت ولی آخوندهایی در حوزه قم و نجف و کربلا بودند که یک کلمه هم نگفتند... تازه می‌گفتند: ما با سیاست کار نداریم! تعدادی از دانشگاهی‌ها هم اینطور بودند.

در یک فیلمی خواستند اسب حضرت عباس علیه‌السلام را نشان بدهند، یک نفر گفت «این اهانت به اسلام است، اگر

امام (ره) فرمودند: اینها نیروهای فداکار و شهادت طلب در حوزه و دانشگاه هستند.

این کار را بکنند من حکم جهاد می‌دهم!» بعد، بیست هزارنفر را در بیت‌المقدس و غزه کشتند، داعش آمد، صدام آمد و مسلمانان را به خاک و خون کشیدند... این آقا یک کلمه هم حرفی نزد!

۲. ایشان فرمودند: «تیپ‌هایی در حوزه و دانشگاه هستند که دنبال منافع خودشان نیستند، دنبال حق هستند و خطر می‌کنند» و اگر این قشر فداکار و نوکر خلق که دین را برای خودشان نمی‌خواهند بلکه خودشان را برای دین می‌خواهند نبودند، نه انقلابی می‌شد، نه در جنگ پیروز می‌شدیم و نه اتفاقی در بیداری جهان رخ می‌داد. این آتش زدن پرچم آمریکا و اسرائیل را شوخی نگیرید! در طول این سی-چهل سال و در کل دنیا، این اتفاق فقط در ایران بوده است. شوخی نیست که الان در صد و بیست کشور جهان، همان شعارهای ما را می‌دهند، در صد کشور جهان پرچم آمریکا را آتش زدند و حتی در خود آمریکا این کار را انجام دادند! این بسیج مردمی در آمریکا و انگلیس اتفاق افتاد؛ این همان صدور انقلاب است. مقابل کنگره آمریکا پرچم ایران و فلسطین را در دست دارند! این همان تحقق فرمایش امام رحمه‌الله‌علیه است که فرمودند: «بسیجیان جهان اسلام، هسته‌های مقاومت حزب‌الله را در سراسر جهان تشکیل دهید، سنگرهای کلیدی را درکل جهان باید فتح کنید؛ ما می‌خواهیم تمام رژیم‌های وابسته به سرمایه‌داری کاپیتالیسم، کمونیسم و صهیونیسم را سرنگون کنیم» ایشان در وصیت‌نامه‌اش به جوانان جهان اسلام

تیپ‌هایی در حوزه و دانشگاه هستند که دنبال منافع خودشان نیستند، دنبال حق هستند و خطر می‌کنند.

این بسیج مردمی در آمریکا و انگلیس اتفاق افتاد؛ این همان صدور انقلاب است.

می‌گوید: «همه شما انقلاب کنید و حکومت‌هایتان را سرنگون کنید. همه حکومت اسلامی تشکیل دهید و همه با هم اتحاد جماهیر اسلامی را ایجاد کنید؛ ابر قدرت جدید، اسلام است؛ ابر قدرت جدیدی را به وجود آورید که طرفدار مستضعفان جهان است.» که برای این قضیه باید روی بسیجی‌های حوزه و دانشگاه حساب کرد که به سایر بسیجی‌ها غذای فکری دهند؛ اینها به عنوان دو قشر فرهنگی، باید به سوالات جواب دهند، تبیین کنند، ارائه بدهند، تحقیق کنند و این تفکر بسیجی را در تمام اقشار جامعه، کارخانه، مزارع، بازار و ادارت تغذیه کنند وإلّا نمی‌توانند حکومت اسلامی بسازند و آن را حفظ کنند؛ به خصوص وقتی که نسل‌ها تغییر می‌کنند.

۳. ایشان می‌فرمایند: «این یک حرکتی است که مبنایش عشق به ذات مقدس حق است و شجره طیبه است، صحبت یقین و عشق و فداکاری و اخلاص است» آنهایی که دم از آمریکا و استکبار جهانی و شوروی میزنند، با شما کار ندارند، شما هم با آنها کار نداشته باشید. دیگر از اینها ساده‌لوح‌تر و فاقد سواد تاریخی نیست! مگر قبل از انقلاب، ایران و لبنان و عراق در اختیار اینها نبود؟ به طور کامل در اختیار اینها بودیم و هشتادهزار مستشار آمریکایی و انگلیسی در ایران بودند. همه‌چیز تحت امر اینها بود. حتی رئیس دانشگاه حق نداشت بدون اجازه اینها حرف بزند! وزرای شاه، مجلس قلابی‌اش، فرماندهان ارتش، ساواک، پلیس، تمام نفت کشور و صدا و سیما دست اینها بود؛ اینها بودند که انواع شکنجه (از آویزان

بسیجیان جهان اسلام، هسته‌های مقاومت حزب‌الله را در سراسر جهان تشکیل دهید، سنگرهای کلیدی را درکل جهان باید فتح کنید؛ ما می‌خواهیم تمام رژیم‌های وابسته به سرمایه‌داری کاپیتالیسم، کمونیسم و صهیونیسم را سرنگون کنیم.

ابر قدرت جدید، اسلام است.

کردن و تجاوز کردن تا سوزاندن و برق وصل کردن) را آموزش می‌دادند. وقتی اینها حاکم بودند، ایران یک کشور درجه سه بود؛ مصر که هنوز هم در دست آنهاست، یک کشور فقیر است. هیچکدام از کشورهای در اختیار آنها، دارای انتخابات آزاد و دموکراسی نیستند.

۴. ایشان می‌فرمایند: «این لشکر مخلص خداست، مجاهدین در تاریخ، از اولین تا آخرین، همه بسیجی بودند» شهدای کربلا بسیجی بودند؛ خیلی‌ها نه عالم بودند و نه مُلا. از میان آنان، کسانی بودند که دشمن امام علی علیه‌السلام و از خوارج بودند ولی بعدا در سمت درست تاریخ قرار گرفتند. کسانی همچون زهیر بن قیس که عثمانی بود ولی شمر جزئی از افسران امیرالمومنین بود که نماز شبش ترک نمی‌شد و جانباز هم بود ولی در کربلا، طرف اشتباه تاریخ ایستاد. امام می‌فرمایند کسانی که به این جبهه می‌آیند و می‌مانند، مخلصین هستند.

۵. تعابیر دیگری هم دارند؛ «بسیج لشکر مخلص خداست؛ چه در صلح، چه در جنگ» دشمن، دست از سر شما برنمی‌دارد! همچنین می‌فرمایند: «بسیج فقط برای جنگ نیست» اصلا ایشان بسیج طلبه و دانشجو را بعد از جنگ تشکیل داد نه در جنگ! سه-چهار ماه گفتند که این بسیج باید تشکیل شود «تا مشعل انقلابی‌گری در دانشگاه و حوزه بماند که اگر این تفکر بسیجی آمد، شما در امان هستید و دشمن می‌ترسد و به شما حمله نمی‌کند ولی اگر بفهمد که دیگر آن آدم‌ها نیستید،

این یک حرکتی است که مبنایش عشق به ذات مقدس حق است و شجره طیبه است، صحبت یقین و عشق و فداکاری و اخلاص است.

حسابتان را می‌رسد» همین غواصان در شب عملیات کربلای چهار چه حال قشنگی داشتند. در این عملیات، من زخمی شدم. اخوی بنده که در همین عملیات شهید شد (شهید حمید رحیم‌پور ازغدی) روحیه عجیبی داشت. به او گفتم: به نظرت امشب چه می‌شود؟ گفت: «ما را می‌زنند و شهید می‌شویم ولی ان‌شاءالله خط را می‌شکنیم و بچه‌هایی که پشت ما می‌آیند، جزیره را می‌گیرند» وقتی به او گفتم موانع چه شکلی است، گفت: «عملیات والفجر هشت که شما آن را انجام دادید در مقابل این عملیات بچه بازی بود! ما باید در زیر آب از سی-چهل موانع، میدان مین و تله‌های انفجاری بگذریم که تازه به خط اول دشمن برسیم و آن را بشکنیم. تازه اگر این‌ها را بگیریم، بعد به آتش خمپاره و تانک و اینها می‌رسیم و بعد هم بمباران شیمیایی دشمن!» اینها بودند که انقلاب را نگه داشتند. اینکه می‌بینید امروز در غزه اینگونه می‌جنگند، اینها قبل از انقلاب ما اینطور نبودند، همیشه شکست می‌خوردند؛ چون شعارهایشان قومیت عرب و ناسیونالیست عربی بود ولی از وقتی سبک جنگی بسیجی‌های ما به حزب‌الله و لبنان رفت و آنجا را آزاد کرد، اینها هم نحوه جنگیدن و تفکرشان را تغییر دادند.

۶. امام می‌فرمایند: «همان فرشتگانی که در جنگ بدر نازل می‌شوند، بر اینها هم نازل می‌شوند» این وعده‌ای است که خدا داده «لا تنصرکم ینصرکم» اکنون هم هست. امام رحمه‌الله‌علیه می‌فرمایند :«مردم، خدا را قبول دارند ولی به خدا اعتماد ندارند»

این لشکر مخلص خداست، مجاهدین در تاریخ، از اولین تا آخرین، همه بسیجی بودند.

کسانی که به این جبهه می‌آیند و می‌مانند، مخلصین هستند.

ما همه خدا را قبول داریم ولی به خدا اعتماد نداریم.

۷. امام رحمه‌الله‌علیه فرمودند: «در حوزه و دانشگاه باید چهارچوب‌های اسلام ناب را بشناسید و مراقبش باشید، نگذارید این شعارهای خونین انقلاب اسلامی را مورد تمسخر قرار دهند. در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی در سطح جهان باشید و این شدنی است چون بسیج منحصر به ایران نیست؛ این طرز تفکر است، این یک سبک زندگی است که ما نوکر مستضعفین جهان هستیم و هیچ توقعی هم نداریم؛ برای خدا، خدمت به خلق تا شهادت» الان ببینید اسرائیلی‌ها می‌گویند ما نمی‌توانیم حماس را نابود کنیم چون حماس، یک گروه نیست بلکه یک تفکر است. بله، این یک تفکر برگرفته از بسیج و انقلاب اسلامی میباشد. بعضی ها در دهه پنجاه و شصت وجود داشتند که عالی بودند ولی امروز دچار فساد اخلاقی و عقیدتی شده‌اند اما بعضی‌ها هم خوب ماندند. امروز نسل شما هیچکدام از حوادث انقلاب و جنگ را ندیده است ولی پای انقلاب مانده است.

۸ . ایشان فرمودند: «کار شما به پایان نرسیده است. در جنگ، با مدیریت جهادی در مقابل جهان ایستادیم. همینطور که در این جنگ به قدرت‌های غرب و شرق غلبه کردید، همینطور هم می‌توانید اسلام را فاتح جهان کنید» باید چنان ابر قدرتی بسازید که دیگر هیچکس جرات نکند به هیچ کشور اسلامی حمله کند و هیچ دیکتاتوری نتواند در هیچ کشور اسلامی حکومت کند. بروید به داد ملت‌های مظلوم جهان

بسیج فقط برای جنگ نیست.

مردم، خدا را قبول دارند ولی به خدا اعتماد ندارند.

برسید. اگر مسئولین، این تفکر را داشته باشند این حکومت، اسلامی است اما اگر نداشته باشند (ولو اینکه نام آن جمهوری اسلامی باشد) حکومت اسلامی نیست.

۹. ایشان می‌فرمایند: «به دنیا ثابت کنید که بدون آمریکا و شوروی می‌توان زندگی کرد، می‌توان پیشرفت کرد و می‌توان به همه اهداف مادی و معنوی رسید. ما به دنبال زندگی صلح آمیز، مسالمت‌آمیز و برادرانه در تمام جهان هستیم منتهی اینها نمی‌گذارند... اینها دشمن صلح و برادری هستند و مجبوریم با اینها بجنگیم. قوی شوید که اگر قوی نباشید، شما را تکه تکه می‌کنند» آنان تا به حال چنین ضربه‌ای نخورده بودند. امروز، دنیا را از دست دادند! ما شاهد دو قطبی اسلام و آمریکا هستیم؛ امروز در خیابان‌ها راه می‌روند و شعارهای ما را می‌دهند، خودشان می‌گویند ما جلوی یک گروه کوچک مثل حماس و حزب‌الله نمی‌توانیم بایستیم، چه کسی می‌تواند در مقابل ایران بایستد؟! در دهه پنجاه، اینان را از ایران و در دهه نود، از منطقه بیرون انداختیم و یک بلوک قدرت در پنج-شش کشور منطقه ایجاد کردیم.

۱۰. ایشان می‌فرمایند: «جنگ تمام شده است ولی شما باید ریشه ضد انقلاب را در حوزه و دانشگاه بخشکانید» نه با زور و دعوا بلکه با کار علمی و منطقی. می‌گوید :«من دارم می‌روم و دست همه شما را می‌بوسم. اگر مسئولین نظام از این تفکر غافل شوند، مسئولین جمهوری اسلامی جمع نمی‌آیند و به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت» بعضی فکر

در حوزه و دانشگاه باید چهارچوب‌های اسلام ناب را بشناسید و مراقبش باشید.

برای خدا، خدمت به خلق تا شهادت

کار شما به پایان نرسیده است. در جنگ، با مدیریت جهادی در مقابل جهان ایستادیم. همینطور که در این جنگ به قدرت‌های غرب و شرق غلبه کردید، همینطور هم می‌توانید اسلام را فاتح جهان کنید.

می‌کنند باید حکومت بکنند که حکومت کرده باشند. این اشتباه است! حکومت وسیله است، جنگ و صلح وسیله است. هدف، توحید و عدالت و تربیت انسان است. همه‌چیز وسیله است. اگر غفلت کنید و ارتش بیست میلیونی ایران را به ارتش جهانی و چریکی تبدیل نکنید، در دام ابر قدرت‌های جهان خواهید افتاد؛ مردم را از دست می‌دهید، پایگاه مردمی را از دست می‌دهید و در دام دیکتاتور می‌افتید. می‌گویند پنجاه-شصت درصد اقتصاد اسرائیلی را کشورهای جهان اسلام مثل عربستان، اردن، مصر، امارات و... تامین می‌کنند چون این کشورها پایگاه مردمی ندارند و تمامی حُکّامشان دست نشانده هستند.

۱۱. ایشان می‌فرمایند: «تا زنده هستم دوستدار شما هستم و از خدا می‌خواهم من را با بسیجیانم محشور کند. افتخارم این است که خودم نیز بسیجی‌ام. از خدا می‌خواهم شهادت را نصیب من بکند و در راه او کشته شوم. از ابتدا که این قضیه شروع شد، من خود را آماده شهادت کردم و سینه‌ام را برای سرنیزه‌های اینها آماده کردم. شما فرزندان اسلام هستید، شهدای گمنام از بین شما هستند که افتخار همجواری با اهل بیت را دارند، سربازان امام زمان هم کسانی مثل شما خواهند بود» امام رحمه‌الله‌علیه معتقدند کسی که اکنون فداکاری نمی‌کند، زمان امام عصر عجل‌الله هم نمی‌کند. اگر زمان سیدالشهداء هم بود، همین کاری را می‌کرد که الان می‌کند. در آن زمان نیز آدم‌های باسواد داشتیم که می‌گفتند کار امام حسین علیه‌السلام

ما شاهد دو قطبی اسلام و آمریکا هستیم؛ امروز در خیابان‌ها راه می‌روند و شعارهای ما را می‌دهند، خودشان می‌گویند ما جلوی یک گروه کوچک مثل حماس و حزب‌الله نمی‌توانیم بایستیم، چه کسی می‌تواند در مقابل ایران بایستد؟!

افراطی است. برای امام عزاداری می‌کردند ولی مکتب و راه او را قبول نداشتند!

هدف، توحید و عدالت و تربیت انسان است.

از بین هزاران محب و شیعه اهل بیت، فقط هفتاد و دو نفر برای یاری امام خودشان آمدند! یک عده گفتند که حسین علیه‌السلام افراطی و تروریست است. اصلا از نظر آنها تمام ائمه ما تروریست بودند! نکته جالب اینجاست که حتی یکی از ائمه ما به مرگ طبیعی از دنیا نرفت و همه شهید شدند. خداوند یک ذخیره نگه داشت برای اینکه بیاید و کار این افراد منحرف و دیکتاتور را یک‌سره کند. زمان انقلاب، یک عده که عمدتا کمونیسم بودند، می‌گفتند :«دین، تریاک توده است» آمدند از دین تریاک ساختند! اما این دین ناب اسلام، تریاک توده نبوده و نیست، این موتور تاریخ بوده است؛ خون شهدا و رهبران دین بود که بیداری جهان را رقم زده است. همه شهید شدند و امام زمان هم شهید می‌شود. البته بعد از آن که حکومت جهانی و آن دهکده جهانی را با ویژگی برابری و برادری به وجود آورد. این نیست که آن زمان بد و خوب نباشد. آن زمان هم خوب و بد وجود دارد ولی دیگر حکومت فاسدی وجود ندارد که ملت‌ها را فاسد کند.

بسیج، ذو ابعاد است

امام رحمه‌الله‌علیه معتقدند کسی که اکنون فداکاری نمی‌کند، زمان امام عصرعجل الله هم نمی‌کند. اگر زمان سیدالشهداء هم بود، همین کاری را می‌کرد که الان می‌کند.

بسیج یک بُعد علمی و یک بُعد عملی دارد. تحقیقات، مقالات، پایان نامه‌ها و فرصت‌های مطالعاتی یک دانشجوی بسیجی، جور دیگر است. یک طیفی وجود دارد که از همه دستاوردهای علمی‌شان برای خودشان استفاده می‌کنند که ارتقاء و امتیاز بگیرند و هیچوقت خطر نمی‌کنند و خط قرمزشان آرامش و آسایش خودشان است. یک طیف هم به مانند شهریاری‌ها وجود دارند که کاری کردند در دنیا یکی-دو کشور بیشتر توان انجام آن را نداشتند و ترورشان هم کردند. اصلا وقتی کسی قصد ترورت را داشت یا به تو فحش داد، معلوم می‌شود که کار مهمی کرده‌ای و الّا آنان که کاری می‌کنند تا فحش نخورند و همه برایشان کف بزنند، آدم‌های درستی نیستند چرا که کاری را برای خدا و خدمت به خلق خدا انجام نمی‌دهند. امام رحمه‌الله‌علیه می‌فرمایند :«برای من درود و مرگ مساوی است. در هردو حالت، من نگاه می‌کنم که ببینم وظیفه‌ام چیست» کار دانشگاهی حوزوی مقابله با بت‌سازی و بت‌های مجازی است. امام(ره): «در حوزه به ما می‌گفتند اینها تارک‌الصلاه و وهابی و بی‌سواد هستند!» انتشار مقاله هم در دانشگاه و حوزه دو نوع دارد؛ یک نوع خدمت به خلق است و نوع دیگر جهت جایزه و ارتقاء شخصی. یک زمان، مقاله‌ای وجود دارد که مشکلی از جامعه را حل می‌کند که اگر مقاله‌ای مشکل جامعه را حل نکرد، به درد نمی‌خورد. شما امروز باید

جواب دهید که فارغ‌التحصیل شدید، دکتر یا مهندس شدید، برای ملت و اسلام چه کردید؟! اگر تحقیقی، به معنای واقعی کلمه تحقیق باشد، خودش راهش را در مجامع عمومی و علمی باز می‌کند. امروز بعضی‌ها هرکاری می‌کنند که به آمریکا و انگلیس بروند در حالیکه تمام پیشرفت‌های این کشورهای استعمارگر (به گفته خودشان) با پول هندی‌ها و نفت ایران و امثال این کشورهای ثروتمند است! مثل این است که جیبت را بزنند بعد شما را به یک قهوه دعوت کنند!

بسیج یک بُعد علمی و یک بُعد عملی دارد.

برای من درود و مرگ مساوی است. در هردو حالت، من نگاه می‌کنم که ببینم وظیفه‌ام چیست.

زمانی در مدارس، اجبار می‌کردند که باید جدول مندلیف را حفظ کنید. اگر اینگونه بشود، نشان می‌دهید که باهوش هستید. اما پشت این ماجرا چیز دیگری بود. جریان این بود که بعد از جنگ جهانی اول و دوم، کشورهایی مثل روسیه و انگلیس نیاز به مغزهای جوامع جهان سوم داشتند اما هزینه زیادی برای آنها داشت. لذا آنان را با تبلیغات جذب می‌کردند و تبدیل به کارگرهای فکری خود می‌کردند به این صورت که طرف با هزینه خودش به کشور آنها برود و کارگر فکری آنان شود. این غارت سیستماتیک تمام دانشگاه‌های جهان است.

این در حالی است که خیلی از این کشورها در دانشگاه‌های خودشان نیاز به iSi ندارند و این معیار سنجش نیست؛ اصلا کشوری که می‌خواهد تمدن سازی کند، خودش باید ISI بسازد. آنها کاری کردند که امروز برای این مقوله که چه کسی بهتر انگلیسی صحبت می‌کند، مسابقه گذاشته میشود! درحالیکه خود انگلیسی‌ها به کار اینها می‌خندند و می‌گویند: «ما کاری

کردیم که اینها همچون میمون ادای ما را در می‌آورند، کاری کردیم که احمق‌ها به اسم روشنفکر شناخته شوند. هرکس بیشتر شبیه ماست، در جامعه پذیرفته‌تر است» کشورهای استعمارگر فقط اموال کشورهای دیگر را غارت نکردند بلکه افکار، باورها و تاریخ آنها را هم غارت و منحرف کردند؛ برای مثال: زامبی که امروز بحث درباره‌اش زیاد است و فیلم‌هایش پخش می‌شود. یک قبیله مسلمان در آفریقا به این اسم وجود داشت که در مقابل استعمارگرها مقاومت می‌کرد. این مردم، آنقدر غیور بودند که تیر می‌خوردند اما عقب نشینی نمی‌کردند و علی‌رغم جراحت‌های سنگین، دوباره بلند می‌شدند و مقابله می‌کردند تا زمانی که دیگر کشته شوند! اما امروز اینها را به اسم جنایتکاران و مردگانِ وحشتناکِ متحرک معرفی می‌کنند.

انتشار مقاله هم در دانشگاه و حوزه دو نوع دارد؛ یک نوع خدمت به خلق است و نوع دیگر جهت جایزه و ارتقاء شخصی.

پاسخ به چند پرسش مهم

شما امروز باید جواب دهید که فارغ‌التحصیل شدید، دکتر یا مهندس شدید، برای ملت و اسلام چه کردید؟!

ما مامور به تکلیف هستیم نه نتیجه!

- در راه امر به معروف و نهی از منکر چقدر باید هزینه بدهیم؟

این بستگی به منکر و معروف دارد؛ منکر گاهی در حد آب دهان انداختن در خیابان است که ارزش چاقو خوردن ندارد اما گاهی مربوط به اصل دین و احکام است. هزینه دادن به شخص و شرایط بستگی دارد. البته امر به معروف و نهی از منکر معمولا هزینه ندارد؛ به خصوص اگر اصولش رعایت شوند. به هرحال، امر به معروف و نهی از منکر یعنی نقد کردن و جامعه‌سازی. این یک امر عمومی برای هرکس که در جامعه است، میباشد؛ یعنی همه در جامعه مسئول برقراری نظم هستند و آن در تمامی مسائل حکومتی و مردمی قابل اجراست. این همان حکومت مردمی میباشد. انقلاب یعنی نهی از منکر، کربلا نهی از منکر بود، جنگ یک نهی از منکر است. اما اینکه گفته‌اند به شرط تاثیر، درست است. اما کدام نهی از منکر است که تاثیر ندارد؟! کربلا یک نهی از منکر است که در لحظه شاید بی‌اثرترین بود ولی صدها انقلاب در طول این سالیان با الهام از قیام امام حسین علیه السلام انجام شده است. کربلا، موثرترین نهی از منکر بی‌تاثیر تاریخ بود؛ حتما که نباید تاثیرش در لحظه باشد!

- امام رحمه‌الله علیه فرمودند: ما مامور به تکلیف هستیم نه نتیجه! معنای فرمایش ایشان این نیست که ما برای نتیجه،

برنامه، فکر، اولویت و نقشه راه نداریم بلکه معنایش این است که وقتی شما با مطالعه، تحلیل مسائل، بررسی نتایج، مقدمات و احتمالات به این برسید که این وظیفه شماست و بطور اصولی و دقیق، وظیفه خود را انجام دادید، نتیجه و اینکه آیا پیروز بشوید یا شکست بخورید را به خدا بسپارید. منظور امام این است که به شرط پیروزی کار نکنید؛ کار برای خدا دو سر دارد: پیروزی و شهادت. که قرآن می‌فرماید هردوی اینها خوب است.

کار برای خدا دو سر دارد: پیروزی و شهادت. که قرآن می‌فرماید هردوی اینها خوب است.

- اگر خمینی نبود اسلامی نبود یعنی چه؟ معنی این جمله این نیست که اگر خمینی نبود اصلا اسلام نبود. به هرحال یزید و صدام و شاه هم اسلام داشتند! بلکه این اسلام، ناب نبود.

یزید و صدام و شاه هم اسلام داشتند! بلکه این اسلام، ناب نبود.

کار شما به پایان نرسیده است. در جنگ، با مدیریت جهادی در مقابل جهان ایستادیم. همینطور که در این جنگ به قدرت‌های غرب و شرق غلبه کردید، همینطور هم می‌توانید اسلام را فاتح جهان کنید. باید چنان ابر قدرتی بسازید که دیگر هیچکس جرات نکند به هیچ کشور اسلامی حمله کند و هیچ دیکتاتوری نتواند در هیچ کشور اسلامی حکومت کند. بروید به داد ملت‌های مظلوم جهان برسید. اگر مسئولین، این تفکر را داشته باشند این حکومت، اسلامی است اما اگر نداشته باشند (ولو اینکه نام آن جمهوری اسلامی باشد) حکومت اسلامی نیست.

سازمان بسیج دانشجویی
معاونت سیاست‌ورزی

@geraa_ir